



پنج شنبه 21 مرداد 1395 - 8 ذی القعدة 1437 - 11 آگوست 2016

میرزا رضا کرمانی در کرمان به دنیا آمد. در جوانی به تهران رفت و به دستفروشی و سمساری مشغول شد تا اینکه رفته رفته مورد اعتماد تجار تهران قرار گرفت.

اعدام "میرزا رضا کرمانی" به جرم قتل ناصرالدین شاه (1276 ش)

میرزا رضا کرمانی در کرمان به دنیا آمد. در جوانی به تهران رفت و به دستفروشی و سمساری مشغول شد تا اینکه رفته رفته مورد اعتماد تجار تهران قرار گرفت. وی در سال 1268 ش پس از آشنایی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی، سخت مجذوب اندیشه‌ها و افکار او شد و از همان زمان، به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. در پی استبداد و جور زمان ناصرالدین‌شاه قاجار و اخراج سیدجمال‌الدین اسدآبادی از ایران، میرزا رضا کرمانی بارها به گونه کتبی و شفاهی به ناصرالدین شاه و درباریان‌ش اخطار نمود که به جهت بی‌احترامی و ستمی که درباره سیدجمال‌الدین روا داشته‌اند، کشته خواهند شد. رژیم استبدادی قاجار، زبان تیز و حرکات اعتراض‌آمیز او را تحمل نکرد و میرزا رضا را به 5/7 ماه زندان محکوم کردند. میرزا پس از آزادی، راهی اسلامبول ترکیه گردید و با سید دیدار نمود. میرزا از اوضاع ایران بسیار نالید و سید او را به کندن ریشه فساد که همان ناصرالدین شاه بود، تشویق کرد. سرانجام شاه قاجار که در تدارک برگزاری جشن‌های پنجاهمین سال سلطنت خود بود، در 17 ذی‌القعدة 1313 ق برابر با 13 اردیبهشت 1275 ش با 3 گلوله میرزا رضا در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در ری کشته شد. میرزا با بیان سخنانی در دادگاه فرمایشی، حقایق را بازگو نمود و شاه را رسوا کرد. سرانجام میرزا رضا کرمانی در روز دوم ربیع‌الاول 1314 ق برابر با 21 مرداد 1276 ش توسط دستگاه جبار قاجار به دار آویخته شد و به شهادت رسید. آخرین جمله میرزا این بود: "این چوبه دار را به یادگار نگه دارید، من آخرین نفر نیستم".

شیخ فخرالدین عراقی در 18 سالگی به هند رفت و در خدمت مشایخ بزرگ آن سامان، سیر و سلوک را برگزید. پس از چند سال، در قونیه به مجلس شیخ صدرالدین قونوی راه یافت و کتاب لمعات را نگاشت. عراقی در اواخر عمر به مصر و شام سفر کرد و در همان جا درگذشت و در جوار قبر محی‌الدین ابن عربی در دمشق مدفون گردید. کلام عراقی، ساده، استوار و استادانه است. در غزل‌ها، ترکیبات و ترجیع‌های وی، شور و شوقی بی‌مانند که نشانه‌ی التهاب درونی اوست دیده می‌شود. این شوق، گاه با تأمل در معارف و حقایق عرفانی همراه و گاه با توصیفات بدیع و کم سابقه‌ای از حالات سالکان و واصلان، آمیخته است.